



A Research and Pathology of the Causes of Unfamiliarity with the Quran in the Society*

Davud Saemi ¹

Karim Parchebaf Dovalit ²

Abstract

Familiarity with the Quran is an uninterrupted companionship with the Quran; It means learning, memorizing, understanding, and even practicing the Quran. It is achieved when the result is a change in the behavior and performance of the individual and, accordingly, the society; It means that a person should be influenced by the Quran, and then it influences the society. The way to get out of the current situation and move towards a Quranic society is that the angle of looking at the Quran should be practical and problem-oriented, and educational administrators should move towards in-depth education and problem-solving; In such a way that a person feels the Quran as a solving instrument in his life. Also, universities and other institutions in Quranic affairs should take into account the composition of cultural and social works with a deepening view, so that the position of the Quran in society becomes dignified and worthy. This research, using the library and field method, has criticized the current situation of familiarity with the Quran in society and provide solutions and suggestions for its improvement.

Keywords: Familiarity with Quran, Pathology of Society without Quran, Ways of Promoting Quran.

*. **Date of receiving:** 07 August 2021, **Date of approval:** 24 August 2022.

1. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Holy Quran University of Sciences and Education, Shahrood (Corresponding Author); da.saemi@quran.ac.ir

2. Ph.D. in Quranic and Hadith Sciences, Faculty Member of Burhan Quranic Studies Research Group: kdowlati@chmail.ir



بررسی و آسیب شناسی علل عدم انس با قرآن در جامعه*

داود صائمی^۱ و کریم پارچه باف دولتی^۲

چکیده

انس با قرآن، همراهی بدون انقطاع با قرآن است؛ یعنی آموختن، حفظ، فهم و حتی عمل به قرآن. زمانی انس حاصل می‌گردد که نتیجه آن تغییر رفتار و عملکرد فرد و به تبع آن جامعه گردد؛ یعنی انسان از قرآن تأثیر بگیرد و سپس در جامعه تأثیرگذار شود. راه برون رفت از وضعیت موجود و رفتن به سمت جامعه قرآنی این است که باید زاویه نگاه به قرآن کاربردی‌گرایانه و مسئله‌محور باشد و متولیان آموزشی باید به سمت آموزش‌های عمقی و حل مسئله پیش روند؛ به گونه ای که فرد در زندگی خود قرآن را به عنوان گره‌گشا حس کند. همچنین دانشگاه‌ها و سایر نهادها در امور قرآنی باید با نگاه عمق‌بخشی و به عبارتی ترکیب کار فرهنگی و اجتماعی را لحاظ کنند تا جایگاه قرآن در جامعه یک جایگاه طراز و شایسته شود. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و میدانی به نقد وضعیت فعلی انس با قرآن در جامعه و ارائه راهکار و پیشنهاد جهت بهبود آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: انس با قرآن، آسیب‌شناسی جامعه بدون قرآن، راهکارهای ترویج قرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶.

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شاهرود، نویسنده مسئول؛ (da.saemi@quran.ac.ir).

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، عضو هیات علمی گروه پژوهشی مطالعات قرآنی برهان؛ (kdowlati@chmail.ir).

مقدمه

انس با قرآن کریم را باید مهم‌ترین کلیدواژه برای رابطه انسان مؤمن با کلام الهی دانست. اگر این مهم محقق شود، راه بهره‌برداری و تأثیرپذیری او از قرآن گشوده خواهد شد و به همین نسبت، چنانچه انس وجود نداشته باشد، راه ارتباط با وحی الهی مسدود یا بسیار محدود خواهد شد.

برای بررسی علل عدم انس با قرآن در جامعه نخست باید وضعیت فعلی را مطالعه کرد که وضعیت انس با قرآن در جامعه چگونه است و اگر مطلوب نیست باید موانع این عدم انس را شناسایی نمود و برای رفع موانع پیشنهاداتی داد تا مسئولان امر بتوانند مسیری صحیح برای انس با قرآن در جامعه پیاده و طراحی کنند تا جامعه بتواند ارتباط مؤثری با قرآن کریم در جامعه ایجاد نماید. یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه که باید در این امر وارد صحنه شوند بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری دام‌زله جوانان هستند. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی فرمودند: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجاد شده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و... اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد» (متن کامل بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران). در بخشی از این بیانیه رهبری معظم توصیه‌هایی دارند که یکی از آنها سبک زندگی است؛ «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی که این مهم باید توسط همین جوانان اصلاح گردد» (همان). در واقع این امر یکی از دغدغه‌های ایشان برای گام دوم انقلاب می‌باشد البته این سبک زندگی همان سبک زندگی مورد تأیید قرآن است که ارتباط تنگاتنگ با انس و الفت با این کتاب مقدس دارد که در این نوشتار به دنبال آن هستیم.

الف. معناشناسی انس

واژه انس در لغت‌نامه دهخدا به معنای «خو گرفتن و آرام یافتن به چیزی» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۲۵/۱) انس گرفتن یعنی همدم بودن، خوگرفتن، ارتباطی فراتر از یک رابطه معمولی. ارتباطی مستحکم که موجب تأثیرپذیری و تأثیرگذاری باشد.

انس گرفتن در اصطلاح، با تعریفی که در فرهنگ دهخدا آمده است، یعنی همدم بودن، خو گرفتن، آرام گرفتن و الفت گرفتن با چیزی، ارتباطی فراتر از یک رابطه معمولی که موجب تأثیرپذیری و تأثیرگذاری باشد.

در لغت‌نامه‌های عربی نیز مانند فارسی واژه انس به همان معنای خوگرفتن و آرام یافتن به چیزی معنا شده است. مثلاً در کتاب التحقيق و فرهنگ ابجدی چنین آمده است: انسٌ [انس]: وحشت و ترس او از بین رفت، - به و الیه: به او انس گرفت، - له: به او نگرست و گوش فرا داد. در یونس تأنیساً [انس]: او را آرامش داد (بستانی، ۱۳۷۵: ۵۱). و در التحقيق آمده: «الأنیس: الذی یستأنس به. و استأنست به و تأنست به: إذا سكن الیه القلب و لم ینفر» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۵۸/۱). و در مفردات به معنی الفت و محبت برخلاف تنفر و بی‌محبتی است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۲۶).

بنابر آنچه بیان شد، انس یعنی چنان با چیزی خو گرفته شود که آن چیز موجبات تغییر رفتار و عمل را برای آن شخص به ارمغان آورد. چنان‌که در روایات آمده پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «حُبُّکَ لَشَئْءٍ یُعْمِی وَ یُصِمُّ»؛ محبت تو به چیزی (تورا) کور و کر می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۳۸۰/۴؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳: ۱۲۴/۱). در قرآن کریم آیه ۱۳۸ سوره مبارکه بقره در مورد «صبغة الله» آورده که خداوند در این آیه «صبغة الله و من احسن من الله صبغة...» با نفی تعمید اهل کتاب، تعمید حقیقی را تعمید خدا بر شمرده است (خاتمی معصومه، طباطبایی سیدکاظم ۱۳۸۴: ش ۱۲) که این امر مستلزم ارتباط دائم و انس دائم با این کتاب و صاحب آن خواهد بود. حال این سوال مطرح است که چه انگیزه‌ای می‌تواند چنین انسی ایجاد کند و چه چیزی می‌تواند زمینه ساز این انس برای انسان گردد؟

مفهوم انس با قرآن

انس با قرآن ملکه‌ای است که در اثر کثرت و تداوم ارتباط با این کتاب مقدس پدید می‌آید و قابلیت فرد برای درک معنی و معارف بلند آن را افزایش می‌دهد. مقام معظم رهبری در بیاناتی انس با قرآن را این چنین تبیین کردند: «عزیزان من! با قرآن بیشتر انس بگیرید. آنچه من تأکید می‌کنم و توصیه می‌کنم، این است که با قرآن بیشتر انس بگیرید. این ذکر الهی و تقوایی که عرض کردیم، اگر برای ما

حاصل بشود، آن وقت هدایت قرآنی هم برای ما آسان‌تر می‌شود؛ «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲)؛ تقوا که بود، هدایت حتمی است؛ چون این قرآن، «هادی» بعضی و بعضی را «مُضِل»؛ «يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» (نحل: ۹۳)؛ این جوری است که بعضی‌ها را از آن طرف می‌برد، بعضی‌ها را هدایت می‌کند. هدایت مال متقین است. هرچه تقوا بالاتر باشد، هدایت روشن‌تر و بالاتر است؛ باید این را دنبال بکنیم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۲۶ فروردین ۱۳۹۸). براساس تعاریف بیان‌شده، انس با قرآن، یعنی آموختن، حفظ، فهم و حتی عمل به قرآن ولی هنوز هم اینها مقدمه است و انس حاصل نشده و زمانی انس حاصل می‌گردد که این فرآیند منجر به ایجاد محصولی گردد که نتیجه آن، موجب تغییر رفتار و عملکرد فرد و به تبع آن جامعه گردد و این معنای انس خواهد بود. یعنی انسان از قرآن تأثیر بگیرد و سپس در جامعه تأثیرگذار شود، به بیان دیگر اول خودش از سفره قرآن بهره‌برداری کند و سپس خودش سفره‌دار گردد و بقیه جامعه را از معارف قرآن و مادبه الله خوراک دهد. چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ به این امر اشاره کردند که «أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدِبَةٌ لِلَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدِبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ حَبْلُ اللَّهِ وَ هُوَ النُّورُ الْبَیِّنُ وَ الشَّفَاءُ النَّافِعُ عِصْمَةٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ وَ نَجَاةٌ لِمَنْ تَبِعَهُ الْخَبِيثُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۸/۶). قرآن سفره الهی است و هرچه می‌توانید از این سفره یاد بگیرید و بهره ببرید و بدین ترتیب و با این فرآیند جامعه در امر قرآن دارای انس با این کتاب عزیز رسیده و می‌توان امید داشت که این جامعه در نهاد خود قرآن را به‌عنوان محور اصلی فعالیت‌های تربیتی و سیاسی و... قرار داده است و به عبارت بهتر در این جامعه انس با قرآن محقق شده است و این جامعه از مشکلات جوامعی که بهره‌ای از کتاب الله ندارند بری و دور خواهد بود. البته باید بیان کرد که یکی از مراحل پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی، شکل‌گیری کشور یا جامعه اسلامی است. در جامعه اسلامی باید هدایت و معیارهای قرآنی مورد تبعیت قرار گیرند. مقام معظم رهبری در این مورد فرمودند: «هدف این است که ملت ما به معنای حقیقی کلمه قرآنی شوند. مگر می‌شود ملتی خود را مسلمان بداند؛ اما قرآنی نباشد؟» (بیانات مقام معظم رهبری در ۲۷ اسفند ۱۳۷۰). از این رو، با تأکید فراوان بر انس با قرآن کریم در راستای تحقق جامعه قرآنی و همچنین، ذکر مرحله‌ای برای پیاده‌سازی انس با قرآن کریم در جامعه، برای رسیدن به جامعه قرآنی رهنمون‌هایی بیان می‌کنند و از لزوم به‌وجود آمدن چنین جامعه‌ای سخن به میان آورند: «عزیزان من، شما بدانید، برای اینکه ما جامعه‌ای به‌وجود بیاوریم که از لحاظ مادی، علمی و صنعتی دچار عقب‌ماندگی نباشد، پیشرو باشد و روی زندگی دنیا اثرگذار باشد و در عین حال از لحاظ معنویت دچار آفت‌های معنوی (که امروز غرب دچار آن است) نباشد، قرآن کریم و عمل به آن لازم است» (بیانات مقام معظم رهبری در ۵ بهمن ۱۳۷۱). در ادامه پژوهش، نگاهی به وضعیت فعلی انس با قرآن و تحلیل آن خواهد شد و سپس با آسیب‌شناسی وضعیت فعلی با ارائه راهکارها و پیشنهاداتی پژوهش را ادامه خواهد داد.

ب. تحلیل وضعیت موجود انس با قرآن در جامعه

در مورد اوضاع انس با قرآن در جامعه باید واقع‌نگر باشیم و به‌دور از تعصبات و ملاحظات دست‌وپاگیر، نهادهایی که مردم (کودکان، نوجوانان، جوانان و حتی بزرگسالان) در آنها رشد می‌کنند و نفس می‌کشند را از نظر این مهم مورد بررسی قرار داده تا وضعیت فعلی ما مشخص گردد. بعد از این تحلیل وضعیت می‌توان برای کمبودها فکری کرد و برای اشتباهات روش‌های جایگزین پیدا کرد.

۱. خانواده

خانواده، اولین و مهم‌ترین نهاد هر جامعه‌ای می‌باشد، چنان‌که در روایت آمده که «مرد، سرپرست خانواده است و درباره آنان از او سؤال می‌شود و زن، سرپرست خانه شوهرش و فرزندان اوست و درباره آنان از وی سؤال می‌شود» (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۲۵/۳). طبق این روایت زن و مرد نسبت به این نهاد مورد سوال خواهند بود و باید در پیشگاه الهی پاسخ‌گو باشند و باید این نهاد را به‌نحو شایسته در مسیر الهی هدایت کنند.

سوال این است که این نهاد مهم تا چه حد برای انس با قرآن مقدمه‌چینی کرده تا فرزندان بتوانند به‌واسطه آموزش‌های خانواده انس با قرآن را در زندگی خود نهادینه کنند. در روایات در مورد یکی از حقوق فرزندان بر والدین آمده که ایشان باید به فرزند خود قرآن را آموزش دهند، چنان‌که امام علی علیه السلام فرمودند: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ، وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»؛ حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوب بر او بگذارد و او را خوب تربیت کند و قرآن به او بیاموزد (سیدرضی، ۱۳۸۹: حکمت ۳۹۹).

متأسفانه امروزه، اکثر خانواده‌ها، مسائل معنوی و دینی را بیشتر در حد عمل به وظایف شرعی خلاصه کرده‌اند و به حداقل‌های این مسیر اکتفا کرده و فقط از خود، رفع تکلیف کرده‌اند. به‌طور مثال چند خانواده در کشور هستند که قرآن یکی از مهم‌ترین مراجع روزمره‌شان باشد و زندگی خود را بر اساس قرآن پیش ببرند و چنان‌که عرض شد انس با قرآن - خو گرفتن با قرآن -، یعنی تمام آنات و لحظات این خانواده با قرآن سپری شود. اگر واقعی نظاره کنیم پاسخ معلوم است و در جامعه تعداد خانواده‌هایی که انس با قرآن دارند، خیلی محدود است که باز اگر مدافه بیشتر شود خواهد دید که آن‌هایی هم که انس دارند این انس منتج به نتیجه لازم نمی‌شود؛ چراکه انس باید به تغییر رفتار و عمل منجر شود و خواهیم دید که در این قشر از جامعه، بعضاً قرآن و ارتباط با آن منحصر در یک سری استفاده‌هایی از قرآن، مانند حفظ، قرائت و... می‌شود که اینها بعضاً مقدمات انس است، که البته باید اذعان نمود که برای انس با قرآن یکی از مقدمات و اصول، روخوانی و روان‌خوانی و استماع قرائت می‌باشد که در مرحله بعد با استمرار اینها و عمل به آیات، انس با قرآن محقق خواهد شد.

۲. آموزش و پرورش

در این نهاد بسیار مهم هم اوضاع قابل بررسی است و جایگاه قرآن در مدارس واضح است. البته زحمات دغدغه‌مندان این عرصه در جای خود قابل ستایش و تقدیر است و در این میان افراد زیادی هستند که سعی در تحقق انس با قرآن در میان دانش‌آموزان دارند ولی باتوجه به نگاه بخشنامه‌ای و دستوری به قرآن و برگزاری کلاس‌های قرآنی که فقط در روخوانی و.... سپری می‌گردد و شاید هفته‌ای یک جلسه به این مهم اختصاص یابد که این یک جلسه هم بعضاً توسط معلمان برگزار می‌شود که خودشان دغدغه انس با قرآن ندارند و بعضاً برای گذران زندگی یک جلسه قرآن برگزار می‌کنند. در حال حاضر پایه‌های اول تا ششم -که همان ابتدایی است- درسی مستقل با عنوان قرآن دارند اما از پایه هفتم تا دوازدهم عنوان درس قرآن وجود ندارد؛ بلکه در کنار درس پیام‌های آسمانی و در خلال درس‌های آن، چند آیه قرآن برای روخوانی و ترجمه وجود دارد، با این پیش‌فرض که می‌خواهند معارف قرآن را به سبک غیر مستقیم و در خلال درس‌های دیگر مطرح کنند، در حالی که اتفاق بالعکس افتاده و فرآیند فعلی ربطی به مباحث قرآنی ندارد و درس‌های مطروحه بیان شده و قرآن گاهی حتی فرصت عرضه شدن در میان دانش‌آموزان را ندارد. این در حالی است که در گذشته تا اواخر دوره متوسطه درس قرآن مستقل بود و روخوانی و مفاهیم مستقل کار می‌شد. البته در سال‌های اخیر توجه به حفظ تعدادی از آیات و سوره‌ها موردتوجه قرار گرفته؛ ولی این موضوع به‌هیچ‌وجه جایگزین استمرار مباحث قرآنی نمی‌شود؛ چراکه بحث انس با استمرار حاصل می‌شود نه با کارهای مقطعی و موقتی، چنان‌که متأسفانه در مدارس شاهد آن هستیم. نکته دیگر آنکه به‌رغم مشکلات بیان شده، به همین نسبت معلمی هم وجود ندارد که بتواند به‌صورت تخصصی قرآن را درس دهد؛ بلکه اکثر مدارس با کمبود معلم در این درس مواجه بوده و افراد غیر متخصص را به‌عنوان معلم قرآن معرفی می‌کنند که نتیجه این کار، عدم ارتباط صحیح با قرآن و نهایت عدم انس دانش‌آموزان با قرآن خواهد شد. علاوه بر این، روش‌های این معلمان، باز جای بحث دارد که با چه فرآیندی قرار است این کتاب مقدس را آموزش دهند و آیا این آموزش به فهم مغز و لب قرآن منجر می‌گردد یا بیشتر در قشر و پوسته می‌ماند که خودش حکایت از اشتباه‌بودن مسیر تربیت و آموزش قرآنی در مدارس دارد. به بیان دیگر آیا دانش‌آموزان بعد از اتمام تحصیل، برای قرآن جایگاه مرجع و رجوع مسائل به آن و حل مسائل را دارد؟ یا فقط یک کتاب مقدس برای کسب ثواب و پاداش است؟ که خود این موضوع محل بحث و گفت‌وگو می‌باشد.

۳. آموزش عالی

در این نهاد بسیار اثرگذار، جایگاه قرآن و مباحث دینی واضح است که بعضاً جایگاه این دروس در حد یک دو واحدی آن هم تحت عنوان تفسیر قرآن خواهد بود که به دلیل عمومی بودن اکثر دانشجویان به این دروس نگاه کمکی برای افزایش معدل دارند و محصول این جلسات، حضور اجباری و طی کردن جلسات و آزمون است که باز هم منجر به انسی که مدنظر است نمی شود؛ البته انکار نمی کنیم که در همین کلاس ها، بعضاً افرادی سرخ را پیدا کرده و انس با قرآن را برای خود رقم می زنند که البته تعداد این افراد محدود است. باید یادآوری کرد که عدم استمرار مباحث قرآنی در دانشگاه منجر به عدم انس دانشجویان با قرآن شده که این نتیجه کارهای مقطعی و گذرا در سطح دانشگاه های کشور می باشد. کارهای فرهنگی و قرآنی که در دانشگاه ها انجام می شود، مانند مسابقات قرآنی از جمله حفظ، قرائت، ترتیل، مفاهیم و... این اشکال را دارد که برای همه اقشار دانشجویان نیست؛ بلکه برای کسانی است که زمینه قرآنی دارند و این برنامه ها نمی تواند عموم دانشجویان را جذب نماید. متأسفانه در دانشگاه ها، برنامه های قرآنی و انس با آن، مانند یک مصوبه اداری می باشد که مثل سایر برنامه ها برگزار می گردد؛ البته همین حد هم تأثیر مثبت خود را دارد ولی در جامعه اسلامی توقع تعامل با قرآن بسیار بالاتر از وضعیت فعلی است که باید نواقص موجود رفع گشته و به سمت انس با قرآن به معنای واقعی کلمه حرکت نماییم.

۴. حوزه های علمیه

این نهاد مقدس به رغم اینکه باید قرآن و انس با آن در الویت های درسی طلاب باشد؛ به دلیل ساختار نامناسب تقریباً مانند دانشگاه در تعامل با قرآن برخورد کرده اند و خروجی و محصول این روش، تربیت طلابی است که بعضاً نه تنها انس با قرآن ندارند، که در روخوانی قرآن هم مشکل دارند هرچند مثل تمام نهادها، بعضاً افرادی هستند که در این میان دارای انس با قرآن هستند. وضعیت این مهم در حوزه ها نسبت به دهه های قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست و رشد هم داشته ولی رضایت بخش نمی باشد. طلبه باید قرآن را مرجع و زیربنای تمام علوم خود بدانند. در حوزه های فعلی درس تجوید وجود دارد که در پایه های ابتدایی ارائه می گردد و درس تفسیر هم هست که معمولاً غیر حضوری برگزار می شود ولی با این وجود باز هم عنصر استمرار که شرط اصلی انس با قرآن است مورد غفلت واقع شده است.



متأسفانه فرآیند انس با قرآن در حوزه‌های علمیة مثل دانشگاه، منتهی به واحد و جلساتی شده که این مهم را تحت تأثیر قرار داده است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری در بیاناتی به این مهم اشاره فرمودند: «طلبه ما می‌تواند درس را شروع کند، مجتهد بشود بدون آنکه یک‌آیه قرآن بخواند درس ما از قرآن عبور نمی‌کند، قرآن از حوزه ما منزوی است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و فضلاء و اساتید حوزه علمیة قم، ۲۹ مهر ۱۳۸۹) البته باور این واقعیت کمی سخت است ولی باید پذیرفت که قرآن متأسفانه جایگاه واقعی خود را در جامعه طلاب ندارد که این خود در جامعه تحت تبلیغ ایشان اثرگذار خواهد بود.

۵. مساجد و هیئات

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: «وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ» (نوری، ۱۴۰۸: ۳/۳۵۵). بین قرآن و مسجد پیوندی عمیق برقرار است. در جای دیگر پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳/۴۰۳). این گفتار نشانه اهمیت تلاوت قرآن در مساجد است. مسجد زیربنای انقلاب اسلامی بوده ولی متأسفانه الان به فضایی صرفاً برای نماز تبدیل شده است. باید قرائت قرآن در مسجد زنده باشد و آموزش و استماع قرآن به صورت مستمر و دائمی برقرار باشد و کرسی‌های قرائت که بسیار مورد تأکید رهبری معظم می‌باشد در مساجد احیاء گردد به علاوه بحث پرداختن به معانی و مفاهیم قرآن بسیار ضرورت دارد البته استمرار در تمام برنامه‌ها شرط لازم می‌باشد که باید در نظر گرفته شود.

چند سالی است که طرح تلاوت نور هرروز در حد یک صفحه با معنا در حال اجراست که تأثیرگذار بوده ولی کافی نیست و باید توسعه کیفی و کمی پیدا کند و به عنوان نمونه می‌توان این یک صفحه خوانده شده مورد تدبیر قرار گیرد و یک‌آیه کاربردی در زندگی افراد برای استفاده و عمل به آن به عنوان راهنما برای افراد در سطح محله نماد شود تا مردم بیشتر با آن آیه انس گیرند و به آن عمل نمایند.

این نهاد یکی از پراستراتژیک‌ترین‌ها در امر تحقق انس با قرآن است؛ اما متأسفانه به دلیل نداشتن برنامه‌های مدون و جذاب باز هم شاهدیم که به جز تعدادی مساجد، مابقی مساجد ارتباط با قرآن را در حد روخوانی و ترجمه و بعضاً تفسیر خلاصه کرده‌اند و اصلاً به انس با قرآن نمی‌اندیشند و محصول این تفکر در انباشتی از اطلاعات و نکات تفسیری و قرآنی خلاصه می‌شود که باز هم با انس با قرآن فاصله دارد.

اگر در مساجد چنین جلساتی عمومیت پیدا کند دارای جاذبه و استمرار باشد و با عناوینی مانند جلسه «ترتیل خوانی» و «تلاوت قرآن» برگزار شود جامعه را دچار تحول فرهنگی بزرگی خواهد کرد و مساجد به عنوان پایگاه نشر فرهنگ قرآن و ایمان جایگاه حقیقی خود را باز می‌یابد و عطر ایمان به خدا و قرآن از آن به مشام می‌رسد و جان‌ها را حیاتی نو می‌بخشد.

در هیئات هم به‌رغم اینکه سخنرانان محترم از قرآن و روایات بیان مطلب می‌کنند ولی متأسفانه اقبال مردم به قرآن و انس با این کتاب در نهایت محدود به قرائات قبل از مراسم خواهد بود، البته در سال اخیر بحث نذر تلاوت در هیئات مطرح و مورد اقبال واقع شد؛ ولی باید تبدیل به یک فرهنگ عمومی گردد و استمرار داشته باشد تا منتج به انس با قرآن گردد.

با توجه به مطالب بیان‌شده باید گفت که مردم جامعه، جدای از نهادهای ذکرشده نیستند، وقتی در نهادهای موظف برای انس با قرآن اوضاع این مهم این چنین است، در جامعه نباید دنبال انس با قرآن گردید. جامعه متأثر از نهادهای آموزشی و تربیتی است وقتی در آن نهادها به قرآن به‌عنوان یک‌واحد مثل بقیه واحدها نگریسته شود به تبع آن، انس با قرآن محقق نخواهد گردید و جامعه از قرآن، تنها قشری و پوسته‌ای از معارف را خواهد گرفت.

ج. بررسی علل عدم توفیق در امر انس با قرآن در جامعه

وقتی صحبت از جامعه می‌شود قطعاً منظور تمام اقشار و نه فقط قشر خاصی از قاریان و حافظان است. آموزش عمومی قرآن در جامعه و انس مردم با قرآن، یکی از مسائلی است که متأسفانه مورد توجه اهالی قرآن کریم خیلی کم قرار گرفته است، مقام معظم رهبری در این مورد به جامعه قرآنی بیان فرمودند: «در زمینه تلاوت و حفظ و الحان کارهای خوبی شده و پیشرفت‌هایی حاصل شده اما در سطح عموم مردم نه؛ در حد مطلوبی نیستیم باید ترتیبی داده شود تا آحاد مردم با قرآن به‌نحوی انس داشته باشند و معانی را درک کنند و یا به‌طور اجمال از مفاهیم قرآن سر در بیاورند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ماه رمضان، ۸ تیر ۱۳۹۳) هرچند عدم آشنایی مردم با زبان عربی یکی از عمومی‌ترین موانع برای انس عمومی با قرآن است؛ ولی به نظر نگارنده دلایل دیگری که مهم‌تر از این مورد هستند، مانع دستیابی به انس با قرآن در جامعه شده که در ادامه بیان می‌گردد.

۱. عدم ایجاد جایگاه مناسب برای قرآن در حل مسائل در میان افراد جامعه

طبق آموزه‌های دین، قرآن باید تا روز قیامت پاسخ‌گوی نیازهای بشریت باشد که البته این نیازها، نیازهای هدایتی است که برای بهتر زندگی کردن انسان‌ها بسیار مؤثر است. حال در جامعه ما تا چه اندازه چنین نگاهی به قرآن ترویج شده و آیا ما نیازها و مسائل خود را به قرآن عرضه می‌کنیم تا قرآن پاسخ دهد؟ به بیان دیگر آیا ما چنین تربیت شده‌ایم که قرآن را به‌عنوان مرجع دانسته و پیگیر حل مسائل خود با قرآن باشیم؟

این نوع نگاه مشخص می‌کند که جایگاه قرآن در جامعه ما بیشتر جنبه تبرک دارد تا جنبه عملیات و کارکردی و انتظارات ما از قرآن و به تبع آن برنامه‌های ما در جامعه بیشتر جنبه تبرک و احترام ظاهری به قرآن دارد و هرگز قرآن را وسیله درمان در جامعه ندانسته‌ایم که این خود بزرگ‌ترین مشکل در جامعه است. یک نکته کلیدی در بحث این است که مردم به سمت آن چیزی سوق پیدا می‌کنند که برایشان کارکرد داشته باشد و نیاز مردم را برطرف و مسائل مردم را حل کند و به عبارتی گره‌گشایی از امور ایشان نماید، مثلاً چرا مردم علی‌رغم فشارهای اقتصادی همچنان برای خرید گوشی و اینترنت تلاش و تکاپو دارند و هر فردی حداقل یک گوشی هوشمند با خود دارد؟ یک علت اصلی این است که این ابزار توانسته نیازها و مسائل امروز مردم را پاسخ‌گو باشد به عبارت دیگر توانسته در دنیای امروز مسئله ارتباط مردم را شناسایی و راه حل خوبی برای آن نشان دهد (تفاوت مشکل و مسأله: متأسفانه در جامعه ما، مسئولان هرگز به فکر حل مسائل نبوده‌اند بلکه فقط به فکر حل مشکلات بوده‌اند و بعضاً هیچ فرقی بین مشکل و مسأله قائل نیستند در اینجا تفاوت این دو را برای پیشبرد اهداف مقاله بیان کرده تا ادبیاتی مناسب بحث به خواننده محترم ارائه نماید. مشکل از ریشه شکل به آن دسته از نکات منفی (همان گرفتاری‌ها و...) که قابل رؤیت و دیدن است ولی مسأله آن دسته از گرفتاری‌ها و... است که قابل رؤیت نیست ولی قابلیت تعریف دارد. مثال نمره دانش‌آموز پایین می‌شود این یک مشکل است که با کلاس تقویتی حل خواهد شد ولی واقعا مسأله چیست که این مشکل بروز کرده است؟ مسأله قابل دیدن نیست هرگاه آن مشکل، مشاهده شد و روابط چک شد و تحلیل شد به عبارت ابتدا و انتها معلوم است ولی روش رسیدن به انتها و مقصد نامعلوم است که نیاز به مهارت حل مسأله در این قسمت نمود پیدا می‌کند).

۱-۱. اقبال به هر چیزی که مسائل انسان را رفع کند

براساس آنچه بیان گشت روشن گردید که تمایل و کشش انسان معمولاً به سمت چیزهایی است که مسائل او را حل کنند. در جریان جایگاه قرآن در جامعه و انس با قرآن اگر قرار است مردم با قرآن انس

بگیرند؛ باید لایه و وجه دیگری از قرآن برای مردم رخ‌نمایی کند و آن وجهی است که در آن، قرآن از حالت صرفاً متبرک‌بودن خارج و در حالت فعال در جامعه ظاهر گردد و مسائل جامعه را حل کند که در این صورت مردم به قرآن اقبال و سپس آن را به معنای واقعی، قبول خواهند کرد، که نتیجه آن انس دائمی با این کتاب خواهد شد.

۲-۱. تفاوت کار فرهنگی و کار اجتماعی

به فراخور بحث بهتر است مطلبی بیان گردد که شاید برای افراد دغدغه‌مند مفید باشد و آن این است که بین کار فرهنگی و اجتماعی باید تفاوت قائل شد. معمولاً به دلیل خطای در فهم این مورد کارهای مهم در جامعه با شکست روبه‌رو می‌شود.

مجموعه فعالیت‌های نرمی (نه سخت) که در پی حل مشکلات جامعه می‌باشد، فعالیت‌های فرهنگی است که در پی حل مشکلات است نه حل مسائل و فعالیت‌هایی را که در پی حل مسائل جامعه است، فعالیت‌های اجتماعی گویند.

به‌طور مثال بحث حجاب یک بحث فرهنگی است یا اجتماعی؟ تا حرف از بی‌حجابی می‌شود سریع تیم‌های فرهنگی مُسکِن آمده می‌کنند و در جامعه تزریق می‌کنند. درست است که بی‌حجابی یک مشکل است و ملموس است و قابل دیدن است ولی باید دانست بی‌حجابی ریشه در یک مسأله بزرگ دارد که بدین صورت، یعنی مشکل به‌روز پیدا کرده، برای شناخت و کشف مسأله باید دقت نظر داشت که مسأله قابل تعریف و نه رؤیت است. پس برای حل مسأله باید ریشه‌های آن بررسی گردد. مثلاً بی‌حجابی ریشه در عدم هویت زن دارد که این یک مسأله است. حال برای حل این مسأله باید یک کار اجتماعی کرد نه یک کار فرهنگی! چراکه کار فرهنگی معمولاً قشری و ظاهری است و این کار اجتماعی است که به دنبال حل مسأله است. در مثال بالا برای حل بحران هویت باید کار اجتماعی کرد مثلاً باید مسأله هویت‌بخشی در جامعه را سروسامان داد و فرآیندی برای این مهم طراحی کرد (به دلیل طولانی‌بودن این بحث به همین جا بسنده کرده و مابقی در فرصت دیگر تقدیم می‌گردد).

۲. عدم اطمینان مسئولین به جایگاه این کتاب و نقش‌آفرینی آن در جامعه

نهادهایی که باید به‌عنوان مسئول در امر ترویج تفکر قرآنی تلاش کنند متأسفانه در این سال‌ها بیشتر به دنبال ترویج ظواهر قرآن در جامعه و بعضاً مقداری مفاهیم، آن هم برای یک قشر مشخص در جامعه بودند و عملاً فضای تنفسی جامعه-مگر در ماه‌های مبارک رمضان- تقریباً با قرآن بسیار غریب

بود، به طوری که در جامعه هرگاه صدای قرآن می‌آمد، برای مردم وقت نماز یا فوت کسی تداعی می‌شد. به عبارت واضح‌تر مسئولین در ترویج این مهم، در قشر و پوسته توقف کرده و اصلاً نتوانستند فضای تنفس جامعه را از قرآن لبریز کنند و طبق آنچه گذشت وقتی قرآن نقشی در حل مسائل مرتبط با جامعه نداشته باشد، قطعاً نمی‌تواند به عنوان ابزاری کاربردی و به تبع آن ایجاد انس مردم با قرآن را داشته باشد و این یعنی همان مهجوریت قرآن در میان جامعه مسلمانان که متأسفانه به رغم اینکه در جامعه اسلامی هستیم ولی متأسفانه این مهجوریت بسیار واقعی و قابل لمس می‌باشد. در آیه ۳۰ سوره فرقان، شکایت رسول خدا ﷺ از مسلمانان در مورد مهجوریت قرآن، اینگونه بیان شده است: «وَقَالَ الرَّسُولُ يٰۤرَبِّ إِنَّا قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» در آن روز رسول (به شکوه از امت در پیشگاه رب العزّه) عرض کند: بارالها (تو آگاهی که) امت من این قرآن را به کلی متروک و رها کردند. مقصود از مهجوریت، ترک گفتن و وانهادن نیست؛ زیرا مسلمانان قرآن را رها نکرده‌اند، بلکه آن را در اختیار گرفته و به آن دست یافته‌اند؛ ولی مسأله این است که این در اختیار گرفتن به گونه‌ای است که در اثر عدم درک صحیح و شناخت اصولی و عدم استفاده شایسته و بایسته، قرآن عملاً مهجور و متروک مانده است. (مؤمنی، علی اکبر، سال ۱۳۸۴: ۶۴). امام خمینی قدس سره در این زمینه می‌فرماید: «در قرآن همه چیز است، لکن مع الأسف، استفاده از آن نکرده‌ایم و مسلمین مهجورش کرده‌اند؛ یعنی استفاده‌ای که باید از آن بکنند، نکرده‌اند.» (خمینی، ۱۳۷۸: ۸۸/۱).

یکی از دلایل و علل اصلی این امر آن است که متأسفانه شاهدیم مسئولان قرآنی هنوز قرآن را به عنوان یک کتاب صرفاً مقدس نگاه می‌کنند، نه یک موجود زنده و دارای حیات که می‌تواند عملیات کند و نسخه دهد و درمان کند و مسائل را پاسخ گوید و به تبع این نگاه است که -اگر محقق گردد- جامعه دارای انس با قرآن خواهد شد؛ ولی به دلیل ذکر شده و عدم اطمینان مسئولین به این جایگاه برای قرآن، هنوز در جامعه ما قرآن به کارآیی شایسته که موجب شفای مردم از گرفتاری‌های دنیوی باشد، نرسیده است.

۳. عدم تسلط بر رسانه و ناتوانی در ایجاد سبک زندگی قرآنی

یکی دیگر از عوامل عدم تحقق انس با قرآن در جامعه به رسانه‌های معاند بر می‌گردد، که به دلیل آنکه متأسفانه در جنگ نرم منفعل عمل کرده‌ایم و فضای مجازی و رسانه را رها کرده‌ایم، نتوانسته‌ایم با موج شبهات و کشش‌های جدید این رسانه‌ها مقابله کرده و فعالانه عمل نماییم، در این فضا همیشه در حالت دفاع و نه تهاجم بوده‌ایم، هرچند اخیراً بعد از فرمایش رهبر عزیز انقلاب، موج لشگر سایبری وارد عمل شده ولی باز هم نتایج حاصله نسبت به فضای سمپاشی و وسعت آن توسط دشمن بسیار اندک است.

در بحث رسانه متأسفانه ما نتوانسته‌ایم سبک زندگی غربی را مانع شویم و اکثر جوانان حداقل از نظر ظاهری گرایش به این امر پیدا کرده‌اند که برای اصلاح این روند و غالب کردن اندیشه صحیح و سبک زندگی صحیح باید تلاش بسیار نمود و در مرحله بعد خواهیم توانست برای قرآن اقبال و قبولی در فضای رسانه ایجاد کرد که موجب گرایش افراد به قرآن و به تبع آن انس با قرآن خواهد شد.

۵. ناتوانی نهادهای مسئول در امر ترویج قرآن در جامعه

متولیان امر ترویج قرآن در جامعه چند نهاد و سازمان هستند که هرکدام برای ترویج این کتاب کارهایی انجام داده‌اند که با نگاه خوش‌بینانه تا الان بحث روخوانی، روان‌خوانی، مفاهیم و... را رواج داده‌اند، که البته در شیوه و روش اجرای این کارها می‌توان نکات و نقدهایی داشت که در این مقال نمی‌گنجد. تمام این زحمات به دلیل آنکه نگاه به آنها نگاه ترویجی بوده و کاری با درگیر کردن بدنه جامعه با قرآن نداشته‌اند، به نظر نگارنده، حداقلی است؛ چراکه عرض شد در صورتی که مردم حل مسائل خود را از سوی قرآن ببینند قطعاً با این کتاب قرابت خواهند یافت و با آن مأنوس خواهند شد و در غیر این صورت فقط یک نگاه متبرک گونه به این کتاب مقدس خواهند داشت؛ به عبارت بهتر نهادهای مورد نظر نتوانسته‌اند در امر ترویج قرآن خوب عمل کنند و متأسفانه تمام هم‌و‌غم آنها ارائه خدمات به یک قشر خاص شده، غافل از آنکه قرآن کتاب هدایت برای تمام افراد جامعه است. تا وقتی نگاه به قرآن یک نگاه قشری و نه یک نگاه عملیاتی و کاربردی و نگاه حل مسأله‌ای باشد، نباید انتظار تحول در این امر و تحقق انس با قرآن در جامعه داشت. حضرت امام خمینی ره چنین بیان کردند: «مطلوب در قرائت قرآن کریم که در قلب، صورت آن نقش بندد و اوامر و نواهی، آن تأثیر کند و دعوت آن جایگزین شود و این مطلوب حاصل نشود مگر آنکه آداب قرائت ملحوظ شود مقصود از آداب آن نیست که پیش بعضی از قراء متداول شده است که تمام هم و همت منصرف به مخارج الفاظ و تاریه حروف شود بلکه مقصود آدابی است که در شریعت مطهره منظور است که اعظم و عمده آنها تفکر و تدبر و اعتبار به آیات آن است». (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۵۰۰-۴۹۹).

۶. کاربردی نکردن مفاهیم قرآن در زندگی و تقویت نیاز به آن

یکی دیگر از عوامل عدم تحقق انس با قرآن در جامعه این است که در این سال‌ها، مفاهیم قرآنی در میان جامعه بیشتر جنبه تئوری و نظری پیدا کرده؛ لذا حس قرابت برای افراد جامعه نسبت به این مفاهیم وجود ندارد. علاوه بر این نهادهای متولی و جامعه قرآنی نیز برای شناسایی این نیاز به جامعه



تلاش و افری نداشته‌اند و بیشتر مشغول به ظواهر قرآنی از جمله روخوانی و قرائت و... شدند و از این مهم جا ماندند. چنان‌که متأسفانه شاهدیم افراد جامعه جایگاه کاربردی برای قرآن قائل نیستند و بیشتر قرآن، تبدیل به یک متن مقدس و بدون کاربرد در جامعه شده و مردم به قرآن تبرک جسته ولی از آن توقع نسخه‌پیچی ندارند.

د. نقدهای روشی به آموزش‌های موجود

به فراخور بحث باید با نگاه نقادانه وضعیت فعلی آموزش قرآن مورد مذاقه قرار گیرد تا بتوان روش مناسب جهت تحقق انس با قرآن در جامعه را احصاء نمود.

۱. انتقال زیاد داده و اطلاعات قرآنی به متربیان

در جامعه امروز اطلاعات چنان گسترش پیدا کرده‌اند که تمام افراد جامعه دارای اطلاعات زیادی در حوزه‌های متعدد هستند؛ ولی متأسفانه این اطلاعات باعث شلوغی ذهن مخاطب به دلیل عدم دسته‌بندی و تحلیل صحیح می‌گردد، به عبارتی، زیادی اطلاعات بدون داشتن تحلیل و طبقه‌بندی صحیح سودی برای فرد، جز آنکه ذهن او را درگیر خواهد نمود، ندارد. در این میان مربیان قرآن برای افزایش اطلاعات متربیان خود از هم سبقت می‌گیرند و سعی دارند مطالب قرآنی بیشتری برای تربی خود عرضه کنند. غافل از اینکه زیادی اطلاعات و داده‌ها هیچ سودی نخواهد داشت، مگر زمانی که به تحلیل و عملیات و کاربرد منجر گردد. این یکی از ایرادات کلاس‌های آموزش قرآن در جامعه ماست که به جای عمق‌بخشی به دنبال افزایش وسعت اطلاعات هستند که این خود آفتی بزرگ است.

۲. آموزش پوسته یا ظاهر قرآن و غفلت از هسته یا باطن

قرآن کتابی ذوبطون است و باید این مهم را فهمید و به دنبال فهم لایه‌های درونی آن بود و برای متربیان نیز این مسیر را هموار نمود تا از قشر و پوسته به باطن قرآن راه پیدا کرد و توانست از مفاهیم قرآن برای امروز جامعه نسخه داد. متأسفانه مربیان قرآن به دنبال این مهم نیستند و در قشر و پوسته مانده و متربیان را چنان رشد نمی‌دهند که مسائل خود را به قرآن عرضه و دارو و حل آن را اخذ نمایند. در این خصوص جابر بن یزید جعفی می‌گوید از تفسیر آیه‌ای از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردم، جوابی فرمودند، دوباره در مورد همان آیه از حضرت سؤال نمودم و این بار امام چیز دیگری فرمود، علت را پرسیدم، آن حضرت فرمود: «جَابِئُ إِنْ لِّلْقُرْآنِ بَطْنًا أَوْ لِّلْبَطْنِ بَطْنًا» وَلَهُ ظَهْرٌ وَلِلظَّهْرِ ظَهْرٌ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹۳/۲۷). و نیز حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: «إِنَّ لِّلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا» (همان: ۱۹۲). این روایت بیانگر معانی عمیق قرآن و نیازمندی ما برای فهم این معانی است.

۳. افراط در آموزش‌های ظاهری، دوری از هدف اصلی

یکی از نقدها به روش‌های فعلی این است که مربیان در آموزش‌های ظاهری می‌مانند و از اهداف اصلی قرآن که هدایت جامعه است دور می‌شوند. به عبارت دیگر تلاش خود را صرف ظواهر می‌کنند و یادشان می‌رود که ظواهر مقدمه رسیدن به بطن قرآن است. اگر قرآن و اهالی آن نتوانند در جامعه تأثیرگذاری کنند و تنها به دنبال ترویج ظواهر باشند پس امر به کارگیری قرآن و کاربردی‌سازی آن در جامعه چه می‌شود؟ بدیهی است که قرآن در این شرایط به یک کتاب صرفاً مقدس و نه پویا و به‌روز تبدیل می‌شود که فقط جنبه قداستی دارد؛ ولی برای جامعه نسخه‌ای ندارد تا مسائل جامعه را حل و فصل کند.

۴. عدم ایجاد جایگاه مناسب برای بحث تدبر در قرآن

در چندین آیه از قرآن کریم در مورد تدبر در قرآن سخن گفته شده است (مانند آیات: نساء: ۸۲؛ ص: ۲۹؛ محمد: ۲۳) با بررسی مجموع آیات مربوط به تدبر در قرآن، می‌توان گفت که اولویت، تدبر در «قرآن» است. حتی در بحث استماع قرآن طبق صریح آیه ۲۰۴ سوره مبارکه اعراف: ﴿وَإِذَا قُرِءَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَانصتوا لعلکم ترحمون﴾ (اعراف: ۲۰۴) مقدماتی برای مورد رحمت قرار گرفتن بیان شده که گوش دادن و سکوت است که اینها مقدمات لازم برای تدبر است که باید رعایت گردد و این مهم باید تجدید گردد تا قرآن به کارآیی لازم برسد و جایگاه واقعی خود را در جامعه ما پیدا نماید. طبق این آیه باید یقین کنیم تا وقتی این مراحل طی نشود و در قرآن، آن‌چنان‌که شایسته است تدبر نگردد، انس با قرآن در جامعه به مرحله شکوفایی خود نخواهد رسید و فقط در حد یک عبارت باقی خواهد ماند و جامعه ما رنگ و بوی قرآن نخواهد گرفت.

ه. پیشنهادات عملی برای انس با قرآن در جامعه

در این بخش چند پیشنهاد ارائه شده و برای توضیح به صورت کاملاً مختصر نکاتی آورده شده تا متصدیان این امر بتوانند از این پژوهش استفاده نمایند.

۱. پیشنهادات عام برای نهادهای عمومی مسئول

بازخوانی جایگاه قرآن در بین نهادهای مسئول: نهادهای متصدی ترویج قرآن باید جایگاه این کتاب را اول در درون خود و سپس در جامعه بازتعریف کنند تا نگاه به قرآن در میان جامعه نگاهی نه از سر صرفاً قداست و تبرک؛ بلکه نگاهی که قرآن را در زندگی افراد جامعه مؤثر و فعال ببیند، باشد.



بازخوانی شرح وظایف نهادهای متولی برای ایجاد نگاه حل مسأله توسط قرآن: نهادهای مذکور راه‌های حل مسأله از طریق قرآن را در جامعه قرآنی و به تبع آن در میان تمام مردم جامعه رواج دهند تا افراد جامعه، پاسخ مسائل خود را از کتاب خدا و اهل بیت علیهم‌السلام بگیرند.

قبول جایگاه قرآن برای حل مسائل و نه صرفاً حل مشکلات در جامعه: در این نوشته بیان شد که مشکل و مسأله تفاوت دارد و باید مسائل را و نه صرفاً مشکلات را با کمک قرآن در جامعه حل کنیم تا این کتاب به جایگاه حقیقی خود در میان ما برسد.

فهم مفهوم صحیح نقش قرآن در امور فرهنگی یا اجتماعی: ادعای جاودانگی قرآن این را اقتضا دارد که ما آموزه‌های این کتاب مقدس را در امور فرهنگی و اجتماعی که مردم با آنها ارتباط دارند دخالت دهیم و جامعه را با این آموزه‌ها رشد دهیم (باید منشور کار فرهنگی و اجتماعی با کمک قرآن طراحی و عرضه گردد).

نگاه کاربردگرایانه به قرآن و دوری از نگاه صرفاً تبرک‌گونه به قرآن: امروز باید کارآیی اسلام و قرآن را به مردم نشان داد تا مردم به واسطه کاربردی شدن دین بتوانند هرچه بیشتر با این کتاب انس پیدا کنند.

اصلاح روش آموزش قرآن از صرفاً ظاهری به سمت آموزش‌های عمقی: باید مرییان قرآن ابتدا خودشان به این باور برسند که قرآن کتابی زنده و پویاست، تا بتوانند متریبان را به معانی عمیق آگاه کنند.

جهاد رسانه‌های برای تثبیت جایگاه قرآن و تبدیل آن به محرک اجتماعی موثر: امروز جایگاه رسانه اصلاً قابل انکار نیست و کسی شک ندارد که هرکس رسانه دارد می‌تواند تفکر و اعتقاد خود را به مردم القاء کند. البته حرف و تفکر قرآن حق و نافذ است و در صورت تولیدات رسانه‌ای جذاب برای مردم می‌توانیم حرف حق و تفکر خود را به مردم رسانده و قلوب مردم جهان را متوجه این کتاب مقدس نماییم. قابل ذکر است که رسانه هم تهدید است و هم فرصت، در صورتی که بتوانیم آن را در دست بگیریم و فعالانه عمل کنیم، بسیار فرصت درخشانی است؛ ولی در صورتی که منفعلانه عمل کنیم و نتوانیم با کمک رسانه فکر خود را به مردم جهان القاء کنیم؛ قطعاً تهدیدی است که بسیار از جنگ واقعی مخرب‌تر خواهد بود.

۲. پیشنهادات خاص برای نهادهای خاص

خانواده: برای این نهاد چند پیشنهاد ارائه می‌گردد: ۱. ارتقای دانش قرآنی مادران به عنوان اثرگذارترین عضو در تربیت نسل آینده؛ ۲. تهیه جزوات و اپلیکیشن‌های کاربردی در گزینش پیام‌ها و آیات قرآنی قابل استفاده برای تمام اعضای خانواده.

آموزش و پرورش: برای این نهاد چند پیشنهاد ارائه می‌گردد: ۱. قرآن در تمام پایه‌ها به عنوان درسی مجزا و با اهمیت با تألیف مستقل و با معلمانی متخصص قرار گیرد؛ ۲. در سایر کتب درسی (کتب

درس‌های ریاضی و تجربی و...) به پیام‌های عمومی قرآن توجه ویژه شود تا به صورت غیر مستقیم، دانش آموز با مفاهیم و آموزه‌های قرآن انس گیرد؛ ۳. استعدادیابی مستمر دانش آموزان در بستر مدارس - در امور قرآنی - و معرفی برای آموزش به نهادهای تخصصی.

آموزش عالی: برای این نهاد چند پیشنهاد ارائه می‌گردد: ۱. رونق دادن به عناوین قرآنی در دروس عمومی تمام رشته‌ها و حتی گنجانیدن در درس‌های دیگر عمومی مانند تاریخ اسلام، خانواده و...؛ ۲. تشویق دانشجویان به انجام فعالیت‌های قرآنی معنامحور از طریق مسابقات، جشنواره‌ها و... با رویکرد تحت پوشش قرار دادن عموم دانشجویان.

حوزه‌های علمیه: برای این نهاد چند پیشنهاد ارائه می‌گردد: ۱. توزیع دروسی مثل تفسیر موضوعی یا ترتیبی در پایه‌های مختلف ۲. توجه دادن طلاب به راه‌های ایجاد انس، ارتباط و جذب مردم به قرآن. مساجد و هیئات: برای این نهاد چند پیشنهاد ارائه می‌گردد: ۱. مرکز رسیدگی به امور مساجد نسبت به فعالیت‌های قرآنی توسط امنا و ائمه جماعات، زمینه‌هایی را از طریق سازمان‌های مختلف و مرتبط با بحث قرآنی فراهم کند؛ ۲. مرکز رسیدگی به امور مساجد در گزینش ائمه جماعات به دانش قرآنی و رویکرد ترویج قرآن و انس با قرآن در برنامه‌های ائمه جماعات دقت بیشتری کند؛ ۳. امنای مسجد برای برنامه‌های قرآنی هزینه و وقت بیشتری بگذارند تا این مهم در الویت برنامه‌های مسجد قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه گذشت می‌توان گفت که راه برون رفت از وضعیت موجود به سمت انس جامعه با قرآن کریم چند تغییر مهم است. باید زاویه نگاه به قرآن، کاربردگرایانه و حل مسأله باشد و نیز باید متولیان امر از آموزش‌های متداول به سمت آموزش‌های عمقی و حل مسأله با قرآن پیش روند و به علاوه باید دانشگاه‌ها و... در امور قرآنی نگاه عمق بخشی و به عبارتی ترکیب کار فرهنگی و اجتماعی را لحاظ کنند تا جایگاه قرآن در جامعه یک جایگاه طراز و شایسته باشد حال در صورت این تغییرات می‌توان امید داشت که زیست قرآنی و انس با قرآن در جامعه محقق خواهد گشت.

نهادهای مسئول باید برای تحقق انس با قرآن در جامعه خود را با تحولات جامعه به روزرسانی کنند تا بتوانند با برنامه‌های به روز و جذاب این وظیفه مهم را به انجام رسانند و قرآن را برای تمام اقشار جامعه تبدیل به یک عنصر فعال و زنده کنند تا جامعه از همراهی قرآن فیض وافی را ببرد و به جای قرار گرفتن در موضع انفعال، حضوری فعال و اثربخش در میان جامعه برای قرآن ترسیم و طراحی کنند.



فهرست منابع

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق مجتبی عراقی، قم: مؤسسه سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. اصفهانی، راغب، مفردات الالفاظ القرآن، جلد اول، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، چاپ اول، تهران: انتشارات کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
۴. ایازی، سید محمد علی، جامعیت قرآن، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۰ش.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره - مصر، ۱۴۱۰ق.
۶. بستانی، فواد افرام، فرهنگ أبجدی عربی - فارسی، ترجمه رضا مهیار، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۹. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۰. محمدی، علی، تهدیدهای فضای مجازی و راهکارهای مقابله، تهران: آفتاب گیتی، ۱۳۹۷ش.
۱۱. مصطفوی، حسن، تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۲. متن کامل بیانیه «گام دوم انقلاب اسلامی» خطاب به ملت ایران.
۱۳. موسوی خمینی، سیدروح الله، آداب الصلاة، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
۱۴. موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۸ش.



۱۵. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۱۶. خاتمی معصومه، طباطبایی سیدکاظم، «رنگ یا تعمید؟ پژوهشی درباره آیه صبغه الله و من احسن من الله صبغه»، دوفصلنامه پژوهش دینی، شماره ۱۲، ۱۳۸۴ش.
۱۷. مؤمنی، علی اکبر، «رابطه مهجوریت قرآن و مهجوریت اهل بیت»، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۶۴، ۱۳۸۴ش.
۱۸. سایت: farsi.khamenei.ir.

Resources

1. Ayazi, Seyyed Muhammad Ali, *The Comprehensiveness of the Quran*, Rasht, Kitab Mobeen, 2001.
2. Bostani, Fawad Afram, *Arabic-Persian Alphabet Dictionary*, Translated by Reza Mehryar, Tehran: Islamic, 1996.
3. Bukhari, Muhammad bin Ismail, *Sahih Bukhari*, Cairo - Egypt, 1410 AH.
4. Dehkhoda, Ali Akbar, *Dehkhoda Dictionary*, Tehran: University of Tehran, 1998.
5. Hurr Amili, Muhammad Bin Hassan, *Wasail al-Shiah*, Qom: Alul Bayt Institute, 1409 AH.
6. Ibn Abi Jumhur, Muhammad bin Zain al-Din, *Awali al-La'ali al-Aziziyah fi al-Ahadith al-Diniyah*, Researched by Mujtaba Iraqi, Qom: Seyyed al-Shohada Institute, 1403 AH.
7. Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali, *Man la Yahzuruhu al-Faqih*, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Jamaat al-Madrasin fi al-Hawza al-Ilmiyyah, Qom: Al-Nashr al-Islami Publications, 1404 AH.
8. Isfahani, Raghieb, *Mufradat al-Alfaz al-Quran*, First Volume, Translated by Ghulamreza Khosravi Hosseini, 1st Edition, Tehran: Murtazavi Bookstore Publications, 1983.
9. Khatami Masoumeh, Tabatabai Seyyed Kazim, "Color or Baptism?" *A Research on the Verse of Sibghah Allah wa Man Ahsan min Allah Sibghah*", Bi-Quarter Journal of Religious Research, No. 12, 2005.
10. Momini, Ali Akbar, "The Relationship between the Abandonment of the Quran and the Abandonment of the Ahl al-Bayt", Farhang Kausar Magazine, No. 64, 2005.
11. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Etiquette of Prayer*, 7th Edition, Tehran: Editing and Publishing Institute, Works of Imam Khomeini, 1999.
12. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Sahifah Noor*, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini, 1999.
13. Muhammadi, Ali, *Threats of Syber Space and Confronting Strategies*, Tehran: Aftab Geety, 2018.



14. Mustafavi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Quran al-Karim (Research in the words of the Holy Quran)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1989.
15. Nouri, Mirza Hossein, *Mustadrak al-Wasail*, Beirut: Alul-Bayt Foundation for the Revival of Heritage, 1408 AH.
16. Tabatabai, Muhammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, 2nd Edition, Beirut: Al-A'jami Press Institute, 2011 AH.
17. The Complete Version of the Statement "The Second Step of the Islamic Revolution" Addressed to the People of Iran.
18. Website: farsi.khamenei.ir.